



# امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و

تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۵/ رجب المرجب/۱۴۴۴ هـ ق مطابق ۷/دلو/۱۴۰۱ هـ ش

## اختیار نمودن زندگی ساده و استفاده از تولیدات و محصولات داخلی کشور

الحمد لله الذي احل للعباد الطيبات لما ينفعهم في دينهم و دنياهم و حرم عليهم الخبائث لما فيها من المفسد في العاجل و الآجل و في دنياهم و آخرتهم و الصلاة و السلام على افضل الوری محمد بن عبدالله و على آله و اصحابه المتأدبين بأدابه ، اما بعد :

من طریق سعی می آرم بجا      ليس للإنسان إلا ما سعى  
دامن مقصود اگر آرم بکف      از غم و اندوه ماتم برطرف  
ورنشد از جهد کار من تمام      من دران معذور باشم و سلام

اختیار کردن زندگی ساده:

اختیار کردن زندگی ساده صفت نیکو است، به مسلمان مناسب است که خود را به زندگی ساده عادت دهد، زیب و وزینت دنیا زائل شدنی است، ساده زندگی نمودن عادت رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب کرام رضوان الله علیهم اجمعین، خوی و خصلت ایشان بود.

وقتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم حضرت معاذ رضی الله عنه را به سوی یمن فرستاد برای او چنین گفت: (عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ: (أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَمَّا بَعَثَ بِهِ إِلَى الْيَمَنِ قَالَ: إِيَّاكَ وَالتَّنْعَمَ ؛ فَإِنَّ عِبَادَ اللَّهِ لَيَسُؤُوا بِالْمُتَنَعِّمِينَ) مسند احمد

ترجمه:- از حضرت معاذ ابن جبل رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم هنگامیکه او را به یمن فرستاد چنین فرمود: از حاصل کردن نعمت ها به طریقه مبالغه خود داری کن، بدون شک بنده گان الله تعالی نیستند مبالغه کنندگان در تحصیل نعمتها.

خود را عادت دادن به نعمت های دنیوی و دلچسپی به آنها انسان را به امتحانات مختلف مواجه میکند، کسیکه به نعمت های دنیا یکبار آموخته شود در برابر امتحانات و مشکلات مقابله کرده نمی تواند. کسیکه یکبار به اسباب دنیوی آموخته شود باز در مقابل گرمی، سردی، فقر، گرسنگی و تشنگی توان مقابله را نمی داشته باشد. اگر ما به زندگی اصحاب کرام نظر بیندازیم می بینیم که آنها یک زندگی عادی، خوراک و پوشاک عادی داشتند، آنها بودند که در مقابل هر نوع سختی مقابله میکردند و در برابر

گرسنگی و تشنگی صبر میکردند، وقتیکه اصحاب کرام در غزوه خندق، خندق را حفر میکردند صحابه کرام از جهت گرسنگی سنگ را به شکم های خود بسته کرده بودند.

غزوه تبوک که در گرمی سخت بوقوع پیوسته بود منافقین از جهت گرمی از جهاد روی گردانیدن، همین مسلمانها بودند که گرمی و سردی به آنها مهم نبود بلکه هدف شان یگانه جهاد مقدس در راه الله جل جلاله بود، الله تعالی از این طبقه مردم یاد آوری کرده و میفرماید: (فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ] التوبه: (۸۱)

ترجمه:- بازماندگان منافق از غزوه تبوک به نشستن ایشان بر خلاف پیامبر صلی الله علیه و سلم شادمان شدند و بد پنداشتند که به مالها و جانهای خویش در راه الله جهاد کنند و یکدیگر را گفتند که در گرمی بیرون نشوید، بگو آتش دوزخ (از این هم سخت گرم تر است) اگر بفهمید.

عادت دادن خود به آسایش و اسباب کار کسانی هست که قلب شان در طمع آخرت ضعیف است.

در قرآن کریم کسانی را که در نعمت و لذت دنیائی مستغرق هستند (مترفین) گفته شده است:

در آیات قرآن کریم مذمت مترفین بیان شده است الله تعالی میفرماید: (لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ). الانبیاء: (۱۳)

ترجمه:- گفتیم مگر بیزید و بسوی زندگی که در نعمتهای آن غرق شده بودید و به سوی خانه های خویش برگردید تا پر سیده شوید.

و در آیت دیگر الله تعالی فرموده است: (حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَارُونَ). المؤمنون: (۶۴)

ترجمه:- تا زمانیکه افراد خوش گذران ایشان را گرفتار عذاب سازیم ناگهان ایشان فریاد میکشند و ناله سر میدهند.

در آیه کریمه دیگر الله تعالی فرموده است: { وَذُرِّي وَالْمُكْذِبِينَ أُولِي النِّعْمَةِ وَمَهْلَهُمْ قَلِيلًا. إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا. وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا } المزلمل: ۱۱-۱۳

ترجمه:- و مرا با تکذیب کنندگان صاحبان نعمت و گذار و اندکی ایشان را مهلت ده براستی که نزد ما زنجیرها و آتش دوزخ است و خوراک گلو گیر و عذاب دردناکی است.

لذت گرفتن از اسباب دنیا و آنقدر مستغرق شدن در سهولت های دنیا که آخرت از انسان فراموش شود عاقبت خطرناک دارد. و از سهولت های دنیا به اندازه ضرورت استفاده مناسب است، به لذت های دنیا خود را عادت دادن کار مناسب نیست الله تعالی میفرماید: (زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرِّ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ) آل عمران: (۱۴)

ترجمه:- دلپستگی به خواهشات نفس از قبیل عشق به زنان، فرزندان، ثروت های هنگفت از طلا، نقره، اسبهای ممتاز، چهارپایان و زراعت برای مردمان زیبا جلوه داده شده است، این بهره زندگانی این جهان هست و بهترین جای بازگشت

در پیشگاه الله جل جلاله است. در یک آیه مبارکه دیگری الله جل جلاله فرموده است: {فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا} مریم: (۵۹)

ترجمه:-- پس از آنان فرزندان نا خلفی جای گزین آنها شدند که نماز را ضایع ساختند و خواهشات نفس را پیروی کردند، پس جزای گمراهی خویش را خواهند دید.

مراد از شهوات خواهشات ولذت های دنیوی است که انسان را از نماز و وضو غافل کند. علامه قرطبی قول حضرت علی رضی الله عنه را نقل کرده است که مراد از این، هر آنچه زینتی هست مانند: قصرها، اتاق ها، سواری و هر آنچه چیزی که نظر انسانها به آن می افتد یا لباسهای که در بین عام مردم امتیاز داشته باشد این همه در (واتبعوا الشهوات) داخل است.

در احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم زندگی ساده و فقر ستوده شده است و بعضی اوقات غنا سبب کبر و غرور میگردد.

در حدیث شریف آمده است: (ذَكَرَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- يَوْمًا عِنْدَهُ الدُّنْيَا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- أَلَا تَسْمَعُونَ ، أَلَا تَسْمَعُونَ ؟ إِنَّ الْبِدَاةَ مِنَ الْإِيمَانِ ، إِنَّ الْبِدَاةَ مِنَ الْإِيمَانِ - يَعْنِي التَّقْوَى). أخرجه أبو داود.

ترجمه:-- یک روز صحابه کرام در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم دنیا را ذکر کردند پیامبر علیه السلام فرمودند: آیا شما شنیده اید؟ آیا شما شنیده اید؟ بدون شک سادگی یک بخشی از ایمان است.

صحابه کرام زندگی ساده داشتند و در پی نعمتها و آسایش نمی گشتند.

در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ رَأَيْتُ سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِ الصُّفَّةِ مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ عَلَيْهِ رِدَاءٌ إِلَّا إِزَارٌ وَإِمَّا كِسَاءٌ قَدْ رَبَطُوا فِي أَعْنَاقِهِمْ فَمِنْهَا مَا يَبْلُغُ نِصْفَ السَّاقَيْنِ وَمِنْهَا مَا يَبْلُغُ الْكَعْبَيْنِ فَيَجْمَعُهُ بِيَدِهِ كَرَاهِيَةً أَنْ تَرَى عَوْرَتَهُ). صحيح البخاري

ترجمه:-- از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمودند: که من هفتاد نفر از اصحاب صفه را دیدم که لباس پوره نداشتند، بعضی از آنها تنها لنگی داشتند و بعضی آنها تنها چادری برای پوشیدن داشتند و آنرا به گردن خود بسته کرده بودند که به نیم ساق شان میرسد و از بعضی آنها به جلک میرسد و اطراف آن لباس را جمع میکردند و محکم میگرفتند از ترس آنکه عورت شان آشکار نشود.

در حدیث شریف آمده است: (عن أبي عبد الله جابر بن عبد الله رضي الله عنهما ، قَالَ : بَعَثْنَا رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- ، وَأَمَرَ عَلَيْنَا أبا عُبَيْدَةَ - رضي الله عنه، نَتَلَقَى عَيْرًا لِقُرَيْشٍ، وَزَوَدَنَا جِرَابًا مِنْ تَمْرٍ لَمْ يَجِدْ لَنَا غَيْرَهُ ، فَكَانَ أَبُو عُبَيْدَةَ يُعْطِينَا تَمْرَةً تَمْرَةً ، فَقِيلَ : كَيْفَ كُنْتُمْ تَصْنَعُونَ بِهَا ؟ قَالَ : نَمَّصُهَا كَمَا يَمَصُّ الصَّبِيُّ ، ثُمَّ نَشْرَبُ عَلَيْهَا مِنَ الْمَاءِ ، فَتَكْفِينَا يَوْمَنَا إِلَى اللَّيْلِ ، وَكُنَّا نَضْرِبُ بِعَصِيَّتِنَا الْخَبْطَ ، ثُمَّ نَبْلُهُ بِالْمَاءِ فَنَأْكُلُهُ ). رواه مسلم

ترجمه:-- از عبدالله ابن جابر رضی الله عنه روایت است که فرمودند: که به سرکردگی ابو عبیده رضی الله عنه ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم به ملاقات قافله قریش ناگهان فرستاد و توشه راه ما را بغیر از یک خلته خرما چیزی دیگری نداد، ابو عبیده رضی الله عنه برای ما یک یک خرما میداد کسی پر سید که شمابه یک خرما چگونه گذاره میکردید او در جواب گفت:

ما مانند طفل ها خرما را میچوشیدیم و در عقب آن آب مینوشیدیم تا هنگام شب به آن گذاره میگردیم مابودیم که توسط عصاهای خود برگ درختان را میزدیم و آنها را در آب تر کرده میخوردیم.

در زمان حضرت عمر رضی الله عنه حضرت ابو عبیده ابن جراح والی شام تعیین شد بخاطر اینکه اکثر مناطق شام را وی فتح کرده بود، در آن وقت شام علاقه بسیار وسیع بود که آن منطقه در شرایط فعلی به چهار مملکت تقسیم گردیده یعنی شام، اردن، فلسطین و لبنان که در آن وقت این هر چهار مملکت یک ولایتی از خلافت اسلامی بود و حضرت ابو عبیده والی آن بود و ولایت شام بسیار ولایت حاصل خیز بود و مال و دولت در آن زیاد بود و یک منطقه زیبای روم بود.

حضرت عمر رضی الله عنه یکبار به دیدن شام رفت، وقتیکه به شام رسید به حضرت ابو عبیده رضی الله عنه گفت: دل من میخواهد که خانه شمارا ببینم که در این منطقه حاصلخیز چگونه خانه برای خود آماده کرده ای، در ذهن عمر فاروق رضی الله عنه این بود که عبیده والی یک ولایت آباد است و در این ولایت مال و دولت فراوان است که خانه او را ببینم، که برای خود در خانه خود چه جمع کرده است؛ حضرت ابو عبیده در جواب وی گفت: ای امیر المومنین خانه مرا چه میکنی اگر تو خانه مرا ببینی بجز روان شدن اشک از چشمانت چیزی دیگری نمی کنی. حضرت عمر رضی الله عنه بسیار اصرار کرد و گفت: من حتماً خانه شمارا ببینم، حضرت ابو عبیده ازدست او گرفته و روان شد وقتیکه که آبادی شهر خلاص شد و روشنی شهر هم خلاص شد و حضرت عمر رضی الله عنه برای او گفت: تو مرا کجا میبری؟ حضرت ابو عبیده در جواب گفت! حالا خانه من نزدیک است، طوریکه که شهر دمشق از مال و اسباب دنیا و رو سنائی درخشان بود تا اینکه به جنگل او را رسانید و در جنگل و در دروازه خانه ای که از برگ های خرما جور شده بود ایستاد کرد و گفت: ای امیر المومنین این خانه من است و من در این خانه زندگی میکنم، حضرت عمر رضی الله عنه وقتیکه به چهار طرف این خانه نظر انداخت و دید که در این خانه بجز از یک جای نماز دیگر چیزی به نظر نمی خورد از او پرسید ای ابو عبیده تو که در این خانه زندگی میکنی و در این خانه از ساز و سامان و وسائل خوردنی و نوشیدنی و خواب شدنی هیچ انتظامی وجود ندارد و تو چگونه اینجا زندگی میکنی او در جواب گفت: ای امیر المومنین الحمد لله ضروریات زندگی من در این خانه میسر است این است جای نماز من که در آن نماز میخوانم و از طرف شب در آن استراحت میشوم و باز دست خود را در بین برگهای شاخه های خرما داخل کرد از آنجا یک پیاله را بیرون کرد که قبلاً معلوم نمی شد و پیش روی حضرت عمر رضی الله عنه گذاشت و گفت: ای امیر المومنین این ظرف من است حضرت فاروق اعظم رضی الله عنه به این ظرف نظر کرد دید که آبی که در داخل آن ظرف هست چقدر وقت به آن گذشته و چند لقمه ای تر در آن افتیده بود، حضرت ابو عبیده برای او گفت: من شب و روز در کارهای حکومت داری مصروف هستم و برای آماده کردن خوراک و دیگر ضروریات وقت ندارم. خانم برای من دو یا سه نان در یک وقت پخته میکند و آن را من در اینجا میگذارم وقتیکه خشک شود من آن را در آب تر میکنم و هنگام شب که می آیم آن را میخورم این است ضروریات خانه و نفقه من؛ حضرت عمر فاروق رضی الله عنه این حالت را دید اشک از چشمان او روان شد حضرت ابو عبیده رضی الله عنه برای او گفت: ای امیر المومنین من قبلاً تو را گفته بودم که از دیدن خانه من بجز ریختن اشک دیگر چیزی بدست نمی آری

## استعمال از تولیدات و محصولات داخلی وطن:-

امروز غلامی در جهان به دو نوع است: غلامی سیاسی؛ غلامی اقتصادی و آزادی هم دونوع است. آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی.

غلامی سیاسی اینرا گفته میشود که کشور های کوچک غلام های کشور های بزرگ و زور مند هستند این به این معنی است که برای کشور های غلام تعیین زعیم از طرف کشور های زور مند صورت میگیرد و کسی رئیس دولت انتخاب میشود که غلام کشورهای بزرگ و ثروتمند باشد، به همین طریق حالت سیاسی دولت همیشه در دست کشور های بزرگ میباشند.

همچنان کشورهای و ملت هایکه آزادی اقتصادی نداشته باشند برای همیشه غلام های کشورهای سرمایه دار میباشند.

اینکه ما الحمد الله آزادی سیاسی داریم لازم است که آزادی اقتصادی هم داشته باشیم و به پای خود استاده شویم. آزادی اقتصادی زمانی ممکن است که ما تولید و صنعت داشته باشیم و بخود کفائی برسائیم، تولیدات و محصولات خود را وقتی بر پا استاده میتوانیم که از تولیدات و محصولات وطن حمایه همه جانبه نمائیم و از تکیه کردن بر تولیدات و محصولات دیگر کشور هارا کم نمائیم.

و به این طریق ما میتوانیم که همراهی جهان رقیب باشیم و بر پای خود استاد باشیم تا که بالأخره حریت و آزادی اقتصادی داشته باشیم.

آبادی وطن مسئولیت مشترک نظام و مردم هست، که از این آیه قرآن کریم معلوم میشود:

(هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ). هود: ۶۱

ترجمه:- او است که شمارا در زمین آفرید و آبادی زمین را بر شما سپرد پس از او امرزش بخواهید سپس بسوی او باز گردید یقیناً پروردگار من نزدیک و اجابت کننده دعا است.

دوستی و محبت به وطن یک امر فطری است دوستی و محبت به وطن وقتی راستگو میباشیم که برای تقویت کشور خود کارکنیم و کشور ما وقتی تقویه میشود که ما از محصولات و تولیدات وطن خود استفاده کنیم.

وقتیکه رسول الله صلی الله علیه و سلم از مکه مکرمه به مدینه منوره هجرت میرد اینطور فرمودند: (وَاللَّهِ إِنَّكَ ، لَخَيْرُ أَرْضِ اللَّهِ ، وَأَحَبُّ أَرْضِ اللَّهِ إِلَيَّ ، وَاللَّهِ لَوْلَا أَنِّي أُخْرِجْتُ مِنْكَ ، مَا خَرَجْتُ). الترمذی، ابن ماجه

ترجمه:- قسم به الله که توبهترین زمین پروردگار هستی و محبوب ترین زمین خدا به نزد من استی ، قسم به الله تعالی اگر من از تو بیرون کرده نمی شدم من از توهر گزیرون نمی شدم .

اگرما محصولات و تولیدات وطن خود را به کار بیندازیم و از آن حمایت کنیم در حقیقت حمایت از وطن است، تا اینکه در آینده وطن روشن و خود کفاء داشته باشیم.

اگرما و شما از تولیدات و محصولات داخلی وطن استفاده نکنیم در نتیجه آن فابریکات و کارخانه ها از کار باز میمانند. کارگران بیکار میشوند که این به زیان وطن و مردم ما هست؛ برعکس اگرما و شما از تولیدات و محصولات داخلی وطن استفاده کنیم، می بینیم که کارخانه ها و فابریکات فعال میباشند و مردم همه به کار مشغول میباشند و به بودیجه دولت هم مالیات قابل توجه می آید که این بهترین گام برای آبادی درخشانی وطن است.

همچنان دین مقدس اسلام صرف در عبادت که عبارت از نماز، روزه، حج و زکات خلاصه نمی شود بلکه اسلام نظام کامل زندگی بشر بوده و برای پیروانش راهای زندگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تنظیم نموده است؛ نظام اقتصادی اسلامی مردم را به کار و فعالیت تشویق و ترغیب نموده و آنان را از کسالت و بیکاری منع نموده و منفعتی را که بدست می آورند باید از راه مشروع بخصوص از تولیدات داخلی وطن باشد، طوریکه خداوند جل جلاله بندگان را به کار، تولید و استفاده معقول از آن امر فرموده است: {فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} (سوره الجمعة

ترجمه:- وقتی نماز ادا کرده شد پس برای کسب رزق و روزی در زمین پراکنده شوید و الله را زیاد یاد کنید تا رستگار شوید.

اگرما تاریخ اسلامی را مطالعه کنیم درک خواهیم کرد که پیامبران الهی بخاطر تولیدات و صنعت کارهایی را انجام دادند که مردم و ملت خویش را به انجام کار، فعالیت و تولیدات تشویق نموده طوریکه قرآن کریم در مورد کار و تولید از حضرت داود پیامبر علیه السلام چنین میفرماید: {وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (۱۰) أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ} سبا: (۱۱)

ترجمه:- نرم گردانیدیم برای او (داود) (ع) آهن را، فرمودیم که بساز زره های کشاده و اندازه نگاه دارد و بافتن حلقه های، آن ای اهل بیت داود (ع)، عمل کنید کردار شایسته هرآینه من به آنچه می کنیدینا ام.